

نکته‌ها و یادداشت‌ها

تاریخ نگار گمنام شیعی:

ابوالبقاء هبةالله حلی و کتاب المناقب المزیذیة فی اخبار الملوك الاسدیة

• محمد کاظم رحمتی

اشاره: یکی از متون کهن تاریخی که محققان تاریخ اسلام کمتر به آن توجه داشته‌اند کتاب المناقب المزیذیة فی اخبار الملوك الاسدیة تألیف عالم امامی ابوالبقاء هبةالله حلی است. این کتاب براساس یگانه نسخه خطی آن در کتابخانه بریتیش میوزیوم (Br. Mus 23296) است که دو محقق اردنی به نام‌های صالح موسی درداکه و محمد عبدالقادر خریسات (عمان: مکتبه الرسالة الحدیثه، ۱۴۰۴ ق) در دو جلد چاپ کرده‌اند. دو نکته مهم درباره این کتاب از چشم محققان آن به دور مانده است. مطلب نخست، مؤلف کتاب است که نام کامل آن در نسخه خطی نیامده و با عنوان ابوالبقاء هبةالله حلی از او یاد شده است که محققان او را ابوالبقاء هبةالله محمد بن نما حلی ربعی از خاندان آل نما معرفی کرده‌اند که نادرست است و مؤلف احتمالی این اثر ابوالبقاء هبةالله ناصر بن حسین بن نصر / نصیر (حلی) است. مطلب دیگر درباره منابع کتاب است. مصادر این کتاب، متون کهن تاریخی و اغلب تألیف عالمان امامی است که اینک موجود نیستند و این بر اهمیت کتاب می‌افزاید. این نوشتار به این مطلب می‌پردازد.

اسناد کتاب

۱. حدیثی رئیس ابونصر محمد بن علی بن جیاء رحمه الله، سنة ۴۹۴ ج ۱، ص ۵۱.
- درباره این فرد چیزی در منابع موجود نیست. تنها می‌دانیم که مؤلف کتاب از وی اخباری درباره صدقه بن منصور دبیبی، حاکم شهر حله در سال‌های ۴۷۸-۵۰۱ ق نقل کرده است (ج ۱، ص ۵۱-۵۳).
۲. اخبارنا محمد بن هبةالله بن جعفر اجازة عن ابی یعلی محمد بن حسن الجعفری عن علی بن الحسین عن محمد بن عمران بن موسی المرزبانی عن احمد بن سلیم الطوسی عن الزبیر بن بکار (ج ۱، ص ۶۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۳).
- رجال این سلسله سند را به خوبی می‌توان شناخت. ظاهراً مقصود از محمد بن هبةالله بن جعفر، عالم نامور امامی ابو عبدالله محمد بن هبةالله بن جعفر وراق طرابلسی از شاگردان و راویان آثار شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) است که منتجب‌الدین رازی (۵۸۶ ق) از طریق احمد بن محمد بن احمد قمی اجازة روایت کتاب‌های الزهد، الثیبات و الفرج وی را گرفته است (ص ۱۰۰-۱۰۱ نیز بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۲۶۵). علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق) نیز در اجازة مشهور خود به بنوهره از کتاب دیگر این عالم امامی به نام العمل فی الیوم و اللیلة نیز یاد کرده و طریق خود در روایت آن را بیان کرده است (بحار الانوار، ج ۱۰۴ ص ۱۱۱).^۲ فرد بعدی این سلسله سند،

یکی از مشکلات تصحیح متون کهن خطی تک‌نسخه، هویت مؤلف است که گاه باید با حدس و گمان‌هایی از شواهد درونی و بیرونی به آن پی برد. منظور از شواهد بیرونی، نقل قول‌هایی از آن کتاب در آثار بعدی و مراد از شواهد درونی، آگاهی‌های تاریخی مندرج در متن کتاب است. در کتاب‌هایی که اخباری با سلسله سند نقل شده امکان بررسی درونی بیشتر است و شاید ساده‌ترین نوع بررسی، شواهد درونی باشد. یکی از این‌گونه متون، کتاب المناقب المزیذیة فی اخبار الملوك الاسدیة است که سال‌ها قبل دو محقق اردنی آن را بر اساس تنها نسخه خطی آن در بریتیش میوزیوم و با انتساب به عالم امامی ابوالبقاء هبةالله محمد بن نماحلی ربعی چاپ کرده‌اند. آقای حسن انصاری قمی در نوشته‌ای کوتاه، برای نخستین بار در این انتساب تردید کردند و مؤلف کتاب را ناشناخته‌تر از امامی ابوالبقاء هبةالله ناصر بن حسین بن نصر / نصیر معرفی کردند.^۱ ایشان تفصیل علت این انتساب را بیان نکردند که بهانه‌ای برای نگارش این نوشتار شد. شواهدی در متن کتاب آمده که بر اساس آنها می‌توان مؤلف کتاب را شناخت. نخستین دسته از شواهد، سلسله اسناد مؤلف در نقل برخی اخبار تاریخی است. مصححان کتاب آشنایی چندانی با رجال این اسناد نداشته‌اند، از این رو نقل کامل این اسناد به عنوان اولین قدم در شناخت مؤلف کتاب مؤثر خواهد بود.

(۴۲۴ ق) به دنیا آمده و در کوفه از عالم نامدار زیدی ابو عبدالله علوی (متوفی ۴۴۵ ق) مؤلف کتاب الجامع الکافی سماع حدیث کرد و کتاب مشهوری در اربعین حدیث دارد که در چند نسخه خطی باقی است. وی در (۵۱۰ ق) درگذشت.^۵

۷. و آخرین القاضی أبو المعالی احمد بن قدامة اجازة عن علی بن الحسین العلوی عن ابي عبدالله محمد بن عمران بن موسی المرزبانی (ج ۱، ص ۲۵۰، ۲۵۳).

أبو المعالی احمد بن علی بن قدامة (متوفی ۴۸۶ ق) از روایان مشهور نهج البلاغه از سید رضی و از شاگردان علی بن حسین مشهور به سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) است.^۶

آنچه که از بررسی اسناد فوق می‌توان دریافت آن است که مؤلف ما از شاگردان شاگردان شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) و سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) بوده است. متأخرترین فردی که وی از آن نقل قول کرده است، ابوالغنائم نرسی (متوفی ۵۱۰ ق) است و مشایخ وی شاگردان شیخ طوسی و سیدمرتضی هستند.

مؤلف احتمالی کتاب

مصححان کتاب به این مطلب اشاره کرده‌اند که تنها نشانی مذکور در نسخه خطی از مؤلف این است که از وی به ابوالبقاء هبة الله حلی یاد شده است و آنها مراد از این نام را عالم امامی ابوالبقاء محمد بن هبة الله بن نما بن علی بن حمدون ربی دانسته‌اند.^۷ اینکه مراد از ابوالبقاء هبة الله حلی، همین عالم امامی است یا خیر، مطلبی است که با بررسی مشایخ وی می‌توان به آن پاسخ گفت. در میان سلسله اسناد مختلفی که نام ابوالبقاء هبة الله بن نماحلی در آن آمده، دو سلسله سند اهمیت خاصی دارند. یکی از این سلسله‌ها سند دلاله بر حیات ابن نما حلی در ۵۶۵ و بعد از آن دارد. مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ ق) در آغاز جلد نخست بحار الانوار (ص ۷۶) در بحث از منابع خود به نسخه‌ای از کتاب سلیم بن قیس هلالی اشاره کرده که سلسله روایت موجود در نسخه‌ای از آن که در اختیار وی بوده، چنین بوده است: «آخرنا رئیس العقیف ابي البقاء (در متن به خطا ابوالتقی) هبة الله بن نما بن علی بن حمدون رضی الله عنه قراءة علیه بداره بحلة الجامعین فی جمادی الأولى سنة ۵۶۵ قال حدثنی... ابو عبدالله الحسین بن احمد بن طحال المقدادی - سنة ۵۲۰ ق»^۸ همچنین به واسطه کتاب المزار (ص ۴۳۴ - ۴۳۵، ۵۶۶ - ۵۶۷) محمد بن جعفر مشهدی حائری از حیات ابن نما در ۵۶۹ و ۵۷۳ ق مطلع می‌شویم. این تاریخها دلاله دارد که ابن نما حلی نمی‌تواند مؤلف کتاب باتوجه به روایت مؤلف کتاب ما از ابن قدامة (متوفی ۴۸۶ ق) و نرسی (متوفی ۵۱۰ ق) باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که مؤلف کتاب

ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری (متوفی ۴۶۳ ق)، عالم مشهور امامی و داماد شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) است که بعد از وفات شیخ مفید، عهده‌دار رهبری جامعه شیعیان بوده است. از وی کتابی به نام نزهة الناظر و تنبیه الخاطر باقی مانده که محدث‌نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق) از آن در مستدرک الوسائل (ج ۸، ص ۲۸۰، ۴۶۰) نقل قول کرده است. در این سلسله سند ابویعلی جعفری از سید مرتضی علی بن حسین موسوی (متوفی ۴۳۶ ق) به اسناد وی، ظاهراً از کتاب نسب قریش زبیر بن بکار که مؤلف در موارد دیگری نیز از این کتاب وی بهره برده، نقل قول می‌کند.

۳. آخرین جماعه عن محمد بن الحسن عن جماعة عن ابي المفضل عن حمید بن [زیاد عن] یونس بن علی العطار عن نصر بن مزاحم (ج ۱، ص ۲۱۱)؛ و بالاسناد عن نصر بن مزاحم (ج ۱، ص ۲۱۲)؛ آخرین جماعه بالاسناد المذكور عن نصر بن مزاحم (ج ۱، ص ۲۱۸ - ۲۲۱)؛ و روی نصر بن مزاحم التمیمی ثم المنقری (ج ۱، ص ۷۲).

این سلسله اسناد در حقیقت، طریق مؤلف کتاب در روایت اثر مشهور وقعة الصفین تألیف عالم امامی نصر بن مزاحم منقری است.^۹ مؤلف در نقل این کتاب به طریق گروهی از شیخ طوسی و طریق وی از ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی از حمید بن زیاد (متوفی ۳۱۰ ق) از یونس بن علی عطار از نصر بن مزاحم منقری است.

۴. آخرین رئیس ابوالقاسم یحیی بن محمد بن عیسی اجازة عن ابي غالب محمد بن سهل المعروف بابن بشران الواسطی عن ابي بكر بن مقسم البصری المقری و ابي علی محمد بن عیسی الطوماری جمیعاً عن ابي العباس محمد بن یزید الازدی ثم الثمالی المبرد (ج ۱، ص ۲۲۸).

هویت فرد نخست را نشناختیم، ولی فرد بعدی محمد بن احمد بن سهل بن بشران واسطی (متوفی ۴۶۲ ق) است که شرح حال وی را در آثار مختلف از جمله سیر اعلام النبلاء، ذهبی (ج ۱۸، ص ۲۳۵-۲۳۶) نیز می‌توان یافت.

۵. آخرین جماعه عن محمد بن الحسن [الطوسی] عن احمد بن عبدون عن ابي طالب الانباری عن ابي بشر احمد بن ابراهیم العمی عن احمد بن عمرو (ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۸، ۳۰۱، ۲۹۹)؛ و روی احمد بن جمهور عن ابيه عن ابراهیم بن المنذر (ج ۱، ص ۲۷۶).

فرد نخست این سلسله سند، شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) است که از احمد بن عبدون مشهور به ابن حاشر (ر.ک: همین عنوان در دائرة المعارف بزرگ اسلامی) از ابوطالب انباری (متوفی ۳۵۶ ق) و راوی کتاب الواحدة حسن بن محمد بن جمهور عمی است (رجال النجاشی، ص ۶۲)

۶. ما اخبرنا به ابوالغنائم محمد بن علی بن میمون النرسی المعدل بالكوفة (ج ۱ ص ۲۴۶).

مراد از این فرد، ابوالغنائم محمد بن علی بن میمون نرسی است که

کیست، آیا فرد دیگری به نام ابوالبقاء هبةالله حلی نداریم که طبقه حدیثی وی با مؤلف کتاب تطبیق کند؟ خوشبختانه در کتاب المزار (ص ۴۳۴-۴۳۵) سلسله سندی آمده که در آن نام عالمی امامی به نام رئیس الأجل ابوالبقاء هبةالله بن ناصر بن حسین بن نصر (نصیر) آمده که در ربیع الأول (۴۸۸ ق) در نجف برای ابن طحان نقل روایت کرده است (اجمال این روایت در بحار الانوار، ج ۹۸ ص ۱۶۵ و مستدرک الوسائل، ج ۱۰ ص ۳۰۲-۳۰۳ نیز آمده است).

نکاتی که در منابع امامیه درباره ابوالبقاء هبةالله بن ناصر بن حسین بن نصر آمده اندک است. احمد بن موسی بن طاووس (متوفی ۶۷۳ ق) در کتاب نبأالحقالة الفاضلية (تحقیق سید علی عدنان غریقی، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۶۱-۱۶۴) خبری از ابوالبقاء درباره جنگ بدر آورده است. در مجموعه شهید اول نیز خبری در کیفیت چگونگی درود فرستادن بر پیامبر آمده که نام ابوالبقاء در ضمن اسناد آن آمده است. (مستدرک الوسائل، ج ۵ ص ۳۴۷-۳۴۸). آثار رجالی امامیه اطلاع بیشتری درباره وی در اختیار ما قرار نمی‌دهند. بر اساس آن چه که وی در شرح حال مناقب سیف‌الدوله صدقه بن منصور دبیبی (متوفی ۵۰۱ ق) آورده، می‌توانیم از حیات او تا ۵۵۲ سخن بگوییم.^۱ احتمالا وی اندکی بعد از این تاریخ درگذشته است. اهمیت کتاب المناقب المزیديه فی اخبار الملوک الاسدیه، سواى آن که کتابی کهن درباره خاندان شیعی بنو مزید حله است،^۲ اطلاعات گسترده‌ای درباره تاریخ جاهلیت و صدر اسلام، خاصه روابط اعراب با ساسانیان و امارت آل منذر در حیره در اختیار خواننده می‌گذارد.

خوشبختانه قسطنتر (Kister) در مقالات متعدد خود درباره اوضاع اقتصادی - سیاسی مکه در جاهلیت و مقارن ظهور اسلام، تحلیل‌های کاملی از این اطلاعات را آورده است.^۳

اهمیت تاریخی کتاب المناقب المزیديه

تاریخ حیره و تاثیر آن بر حیات اجتماعی - سیاسی جزیره العرب را بیشتر قسطنتر که فضل شناخت کتاب المناقب نیز از اوست، به خوبی بیان کرده است. قسطنتر محقق برجسته تاریخ جاهلیت و صدر اسلام در مقاله‌ای با عنوان «حیره نکاتی از روابط آن با اعراب» نحوه این تاثیرات را بیان کرده است. در این مقاله قسطنتر با وصف رقابت موجود بین روم و ایران برای دست‌اندازی و یافتن جای پای در جزیره العرب به تشریح شرایط و موقعیت عربها پرداخته است. به عقیده قسطنتر دامنه این رقابت‌ها به دولت‌های دست‌نشانده آنها یعنی آل منذر در حیره و آل غسان نیز کشیده شده بود. قسطنتر در بررسی خود نتیجه می‌گیرد که امرای حیره به چند طریق سعی کردند تا نفوذ و سیطره خود بر جزیره العرب را تحکیم

کنند. از جمله با ایجاد مناصبی چون رداغه، ذوالآکل و اعطای این مقامات به رؤسای قبایل عرب هم پیمان. ابوالبقاء علت اعطای این مناصب به برخی از قبایل را نیز ذکر کرده است. رداغه را به بنو یربوع داده بودند، چرا که بیشترین حملات از جانب آنها به حیره صورت می‌گرفت و موجب ناامنی در سواد و به تبع آن در امر بازرگانی حیره بودند. برای آنکه از این اعمال بازداشته شوند، منصب رداغه به آنها داده شده بود. ابوالبقاء آن گاه رداغه را چنین وصف کرده است: رداغه مقامی بود که عهده‌دار آن در جایگاهی هم‌تراز با ملک می‌نشست و هم پیاله او در نوشیدن بود و هنگام حرکت درپس شاه، مقامش به سان صاحب‌الجیش در زمان ما (روزگار ابوالبقاء) یا منزلی همانند آن است (ج ۲، ص ۴۳۳) نیز رک: لسان العرب ذیل «ردف» ابوالبقاء توضیح دیگری نیز درباره رداغه در جایی دیگر آورده است (ج ۱، ص ۱۰۵) راه دیگر، اعطای اقطاع به قبایل دوست بوده است (ج ۲، ص ۵۰۰ - ۵۰۱). اطلاعات ابوالبقاء درباره قبایل عرب منحصر به فرد و یگانه است. او قبایل عرب را با توجه به رابطه‌ای که با حیره داشته‌اند به سه گروه تقسیم می‌کند: ۱. قبایل مستقل (لقاح) ۲. قبایلی که هم پیمان حیره بودند ۳. قبایلی که در نواحی مرزی حیره سکونت داشتند و مطیع آنان بودند. (ج ۲، ص ۳۶۹ و ۴۳۲ به بعد). ابوالبقاء اشاره دارد که اعراب به سبب همجواری با ایران و حیره مجبور به اطاعت از آنها بودند؛ گرچه ایرانیان هم مجبور بودند به منظور جلوگیری از حمله آنها به سواد امتیازاتی به آنها بدهند (ج ۲، ص ۳۶۷). آن گاه ابوالبقاء به معرفی قبایل می‌پردازد و نکات جالب توجهی از وضع این قبایل ارائه می‌دهد (ج ۲، ص ۳۶۹ به بعد). او با نگاه تیزبین خود به سیاست دیگر حیره اشاره می‌کند که استفاده از دشمنی‌های بین قبایله‌ای است. (ج ۲ ص ۳۶۸). همچنین برخی قبایل همجوار حیره برای تهیه آذوقه و مایحتاج خود به حیره وابسته بودند. (ج ۲، ص ۳۶۸)^۴ راه دیگر اتخاذ شده از سوی حیره، اعطای وظیفه محافظت کاروان‌های تجارتي و جمع‌آوری مالیات و خراج‌ها به برخی قبایل بوده است. از دید ابوالبقاء دولت حیره، هم به دلیل اجبار در اطاعت از ایران و هم به طمع غنائم، گه‌گاه به اعراب مخالف خود حمله می‌کردند (ج ۲، ص ۳۶۷). نکته جالب توجه این است که اگر امرای حیره به واسطه ایرانیان تقویت نمی‌شدند چندان توان مقاومت در برابر اعراب نداشتند (ج ۱، ص ۶۲؛ ج ۲، ص ۳۶۸). بخش مهم دیگر از آگاهی‌های ابوالبقاء اطلاعات ارائه شده از سوی او درباره تشکیلات نظامی حیره است. (ج ۱، ص ۱۰۵ به بعد)

منابع ابوالبقاء در تالیف المناقب المزیديه

متاسفانه ابوالبقاء در معرفی منابعی که استفاده کرده به تفصیل سخن

۱۳۲ به بعد نیز آورده است.

۹. این تاریخ را می‌توان از اشاره مؤلف به سلطان سنجر سلجوقی (متوفی ۵۵۲) دریافت که به‌گونه‌ای از او یاد کرده، که دلالت بر مرگ این سلطان سلجوقی دارد. المناقب المزیديه، ج ۲ ص ۴۲۶.

۱۰. در کتاب المناقب اطلاعات مهمی دربارهٔ سیف‌الدوله حمدانی آمده است (عن مناقب سیف‌الدوله ص ۴۹۵-۵۰۰، ۴۲۵-۴۳۱) 11. M.J Kister, "Al- Hira: some notes on its Relation with Arabia", *Arabica*, xv (1968). also published in *idem studies on Jahiliyya and Early Islam*.

این مقاله با این مشخصات به عربی نیز ترجمه شده است: م. ج قسطنطین، الحیره و مکّه، و صلتهما بالقبائل العربیه، ترجمهٔ یحیی الجبوری، جامعه البغداد، ۱۳۹۶/۱۹۷۶. این مقاله را نگارنده به فارسی نیز ترجمه کرده است.

۱۲. یک راه دیگر گروگان‌گیری فرزندان قبایل بود که سیاه خاصی به نام رهائن را تشکیل می‌دادند المناقب المزیديه، ج ۱ ص ۱۰۷.

۱۳. از تالیف کتاب النوافل به وسیله ابن کلبی و ابن حکم اطلاع داریم، اما آیا این نقل قول از این دو کتاب است؟ ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۱۴. اصل این کتاب هنوز منتشر نشده است اما گزیده‌ای از آن با این مشخصات منتشر شده است: تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب، استدرک و تعلیق ابن طباطبا (قم، ۱۴۱۳) تحقیق محمد کاظم محمودی.

۱۵. مآخذ دربارهٔ تاریخ حیره که حاوی اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی موقوت باشد، به‌گونه‌ای که بتوان با کمک منابع دیگر صحت آن را تأیید کرد، به واقع اندک است. عبدالعزیزالدوری در این باره نوشته است: «در شمال جزیرهٔ العرب، نزد خاندان آل منذر کتبی که حاوی اخبار اعراب حیره و انساب و سیر پادشاهانشان باشد، در دیرهای حیره موجود بوده است. همان‌گونه که آنها اخبار زیادی از تاریخ ایرانیان داشته‌اند. بعضی از مورخان از این کتاب‌ها و اخبار تاریخی در تالیف آثار خود استفاده کرده‌اند». عبدالعزیزالدوری، بحث فی نشأة علم‌التاریخ عند العرب (بیروت، ۱۹۸۳)، ص ۱۶. مؤلف کتاب المناقب المزیديه، بر استفاده از این‌گونه کتاب‌ها تأکید دارد (و ذکر فی بعض کتب الحیره، ج ۲ ص ۵۰۰).

۱۶. این بخش‌ها را با عبارتهای مشابه در المجمع، ص ۱۳۶ به بعد و ۲۳۴ به بعد مقایسه کنید. از نکات با اهمیت کتاب المناقب المزیديه می‌توان به نقل اشعاری از مؤلف آن (ج ۲، ص ۴۹۸-۴۹۹، ۵۲۵)، بهره‌گیری مؤلف آن از دیوان ابوتمام (ج ۱ ص ۳۳-۳۴)، دیوان ابونواس (ج ۱ ص ۳۳)، تاریخ طبری (ج ۱، ص ۴۳، ۱۱۰، ۲۶۲، ۲۷۱) و سیره ابن اسحاق (ج ۱، ص ۴۶، روی ابن اسحاق، ج ۱، ص ۴۷؛ فروری ابن اسحاق، ج ۱، ص ۴۹؛ قال ابن اسحاق، ج ۱ ص ۶۲؛ روی ابن اسحاق صاحب المغازی) اشاره کرد.

نرانده است. فقط به دو کتاب النوافل (ج ۱، ص ۱۶۵)^{۱۳} و کتاب تهذیب الاعقاب (ج ۱، ص ۱۶۳)^{۱۴} اشاره کرده است. با وجود این، می‌توان حدس زد که منابع مهمی خصوصاً دربارهٔ حیره و مناسبات اعراب با آن در اختیار داشته است.^{۱۵} گرچه برخی از مطالب را از طبری، ابن قتیبه، ابو عبیده معمر بن مثنی، ابو عبیده قاسم بن سلام، ابن اسحاق و نصر بن مزاحم نقل می‌کند. حتی اشعاری از کمیت شاعر بلند آوازه شیعی به عنوان استشهاد در اثر خود آورده است از اطلاعات جالب‌دیگر ابوالیقا آگاهی‌های او از اعراب و تقسیم‌های خاص دربارهٔ اعراب است. آگاهی‌هایی دربارهٔ جمرات العرب، اثنای العرب، اجواد العرب و جز آن که مجموعه قابل توجه و تأملی است. (ج ۱، ص ۱۶۶).

پی‌نوشت‌ها:

۱. حسن انصاری قمی، «کتابی تاریخی از یک مؤلف ناشناخته» نشر دانش، سال شانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸، ص ۸۱-۸۲.

۲. نقلی نیز از یکی دیگر از آثار ابن عالم امامی در کتاب خلاصه الاجاز (ص ۲۳) دربارهٔ نکاح موقت آمده است.

۳. دربارهٔ نصر بن مزاحم و کتاب وقعة الصفین وی ر.ک: رسول جعفریان، «منابع کتاب وقعة الصفین نصر بن مزاحم عطار منقری» آیین پژوهش، شماره ۸۲ (مهر - آبان ۱۳۸۲)، ص ۶۶-۷۷.

این نقل قول‌ها مورد توجه آقای مدرسی قرار نگرفته و در کتاب بازمانده‌هایی از سنت امامیه به آنها در ذیل کتاب الصفین جابر بن یزید جعفی ارجاع ندادند. ر.ک:

Hossein Modarressi, *Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early shiite literature* (London , 2003), vol 1 p.p. 100-101.

۴. عبارت اضافه شده در سلسله سند در داخل پرانتز از ماست. طریق نقل شده در متن کتاب افتادگی دارد و به خطا چنین آمده است: ابی‌المفضل عن حمید بن یونس بن علی العطار...

۵. دربارهٔ نرسی بنگرید به: عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۹۷۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴-۲۷۶.

۶. بنگرید به: سید محمد حسین جلالی، دراسة حول نهج البلاغه (بیروت: مؤسسة العلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ ق)، ص ۷۹-۸۰.

۷. دربارهٔ ابن فرد و خاندان شیعی آل نما بنگرید به مدخل آل نما در دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۸. نیز بنگرید به: خاتمة المستدرک الوسائل، ج ۲۱، بخش سوم، ص ۱۸-۱۹. مشهدی در کتاب دیگر خود، فضل الکوفه و مساجدها (تحقیق محمد سعید طریحی، ص ۴۰-۴۱) نیز از طریق ابن‌نماحلی از ابن‌طحال که در ۵۳۱ برای ابن نما حدیث نقل کرده، روایت کرده است. همین روایت را در کتاب المزار (تحقیق جواد قیومی، قم، ۱۴۱۹)، ص